



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۱۹۴-۱۶۷

سیاست‌گذاری امنیتی ایران در قبال منازعات خاورمیانه

پس از بهار عربی (۲۰۱۱-۲۰۱۸)

سید امیر نیاکوئی^۱

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان

سعید پیرمحمدی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۵)

چکیده

به دنبال وقوع شورش‌ها و اعتراضات در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ نشانه‌هایی از تحول و دگرگونی در سیاست‌گذاری امنیتی بازیگران منطقه خاورمیانه پدیدار شده است. سیاست امنیتی ایران که برابندی از نقش عوامل داخلی و خارجی است، به سرعت تحت تأثیر تحولات مزبور قرار گرفت. در این ارتباط، پژوهش حاضر تلاش می‌کند به واکاوی سیاست‌گذاری امنیتی ایران در دوران بعد از تحولات انقلابی خاورمیانه بپردازد و در این خصوص به بررسی موردی تحولات بحرین، عراق، یمن و سوریه مبادرت نماید. در عین حال، می‌کوشد تا نسخه‌ای تجویزی برای بهبود سیاست‌گذاری امنیتی ایران ارائه دهد. بر این مبنا، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که سیاست‌گذاری امنیتی ایران در قبال تحولات اخیر خاورمیانه از چه ماهیت و مختصاتی برخوردار بوده و چنین رویکردی از منظر آسیب‌شناختی چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟ به منظور پاسخ به این پرسش و دستیابی به اهداف پژوهش با بهره‌گیری از مفهوم امنیت جامع و لحاظ نمودن مقدمات ملی و گفتمان امنیتی غالب در منطقه خاورمیانه تلاش می‌شود تا تبیینی تئوریک از پیامدهای سیاست منطقه‌ای ایران ارائه گردد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری امنیتی ایران پس از تحولات اخیر خاورمیانه مبتنی بر حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای بوده و برای این منظور طیف متنوعی از سازوکارهای دیپلماتیک، نظامی-مستشاری، سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات موردنیاز نیز به روش اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری خواهد شد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری امنیتی، ایران، خاورمیانه، بیداری عربی، امنیت جامع.

مقدمه

تحولات بیداری عربی^۲ که از دسامبر ۲۰۱۰ منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت، به واسطه قلمرو، شدت و حساسیت، مقطع زمانی و منابع اصلی به کار گرفته شده، کانون توجه سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به خود معطوف داشته است. از این جهت، بررسی شناختی، آسیب‌شناختی و آینده‌پژوهانه در این حوزه می‌تواند به‌عنوان بخشی از منطق راهبردی کشور از اهمیت بالایی برخوردار باشد. بر این مبنا، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی سیاستگذاری امنیتی ایران در دوران بعد از تحولات انقلابی خاورمیانه بپردازد و در این خصوص به بررسی موردی تحولات بحرین، عراق، یمن و سوریه مبادرت نماید. لازم به ذکر است که اگرچه در رابطه با تبیین سیاست خارجی ایران در قبال هریک از موارد مطالعاتی پژوهش حاضر (سوریه، عراق، بحرین و یمن) از منظر نظریه‌های سیاست خارجی و روابط بین‌الملل پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است اما آسیب‌شناسی و واکاوی پیامدهای سیاستگذاری امنیتی ایران در قالب رویکرد امنیت جامع بررسی نشده است.

مبانی نظری؛ الگوهای تحلیل سیاستگذاری امنیت ملی

سیاست خارجی^۳ نخستین حوزه‌ای بود که در ادبیات سیاستگذاری عمومی^۴ مورد توجه قرار گرفت، هر چند که در گذر زمان و به دلیل تفوق رویکردهای پوزیتیویستی در سیاستگذاری عمومی، حوزه سیاست خارجی مورد اقبال کمتری واقع شد. با این وجود، امروزه غنی‌شدن مطالعات و ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مشروعیت بیشتری برای مطالعه سیاست خارجی در حوزه سیاستگذاری عمومی پدید آورده است (قوام و فریدون، ۱۳۹۷: ۱۷۸). با وجود مباحثات و مناقشات متعددی که در خصوص ارائه یک تعریف جامع از سیاستگذاری عمومی این حوزه شکل گرفته، بسیاری از نویسندگان ترجیح داده‌اند تا به جای دامن زدن به چالش‌های مفهومی، فرایند سیاستگذاری را مورد بررسی قرار دهند (Zittoun, 2014: 3). بهره‌گیری از روش تحلیل فرایند، امکان تحلیل و واکاوی سیاستگذاری عمومی را در چارچوب الگوها و روندهای تصمیم‌گیری، کنشگران دخیل در فرایند سیاستگذاری و سازوکارهای مورد استفاده فراهم می‌آورد. شاخص‌های مربوط به سیاستگذاری عمومی، حوزه‌های متعددی از رفتار سیاسی، کنش راهبردی-امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و قومی کشورها را در بر می‌گیرند. سیاستگذاری امنیتی^۵ یکی از مهم‌ترین شاخه‌های سیاستگذاری عمومی است. در این رابطه عموماً عنوان می‌شود که

2 - Arab Awakening

3 - Foreign Policy

4 - Public Policy

5 - Security Policy

راهبرد یک کشور باید مشتمل بر سیاستگذاری امنیتی آن در زمان صلح و در زمان جنگ باشد. با این حال، تنوع و پیچیدگی در تصمیم‌گیری‌ها مشخص می‌سازد که سیاستگذاری امنیت ملی گسترده و ناهمگون است و نهادهای مختلفی در این تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند. تا زمانی که تشکیلات، نظام و حیطه سیاست امنیت ملی مشخص نشود، نمی‌توان نگاه مؤثر و همه‌جانبه‌ای به آن داشت. باید پرسید که مرزهای امنیت ملی در کجاست؟ و چه موضوع‌هایی شامل امنیت ملی می‌شود؟ با این وجود، حاکمیت کشورها نکته اصلی در سیاستگذاری امنیتی است و تصمیم‌گیری‌های مربوط به جنگ و صلح اساساً در اختیار رهبران کشورها است (اودم، ۱۳۹۲: ۲۳۶-۲۳۳). به لحاظ تئوریک، تحولات پس از جنگ جهانی دوم و سپس پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، تغییراتی را در مفهوم امنیت به وجود آورد که به‌فراخور آن، مطالعات امنیتی^۶ در دوران گذار خود قرار گرفت. در این شرایط، رویکردها و رهیافت‌های نوینی وارد حوزه مطالعات امنیتی گردید. عمده‌ترین تلاش‌ها در این زمینه معطوف به خارج ساختن امنیت از قالب‌های محدود سنتی و تنظیم دستورکار فراخ‌سازی مفهوم امنیت شد. بر این اساس، بررسی‌های امنیت شاهد تکوین و توسعه رهیافت‌هایی بود که ورای تعریف امنیت برحسب ابعاد نظامی صرف، ابعاد نوینی را در حوزه مطالعات امنیتی وارد نموده‌اند. نظریه‌پردازان این نسل از جمله باری بوزان^۷ و اولی ویور^۸ به طرح امنیت موسع^۹ در قالب مکتب کپنهاگ^{۱۰} در موضوعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی پرداختند. سیاستگذاری امنیتی، در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس یافتن راه‌حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مسئله‌ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن می‌باشد. مسئله‌ای که شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود، ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل در ابتدای راه ممکن است با تمهیداتی ساده و کم‌هزینه حل شوند اما زمانی که به بحران انجامید، حل آن‌ها دشوار و پرهزینه خواهد بود (رضوی‌نژاد و ملک‌محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸۷). نگاه آسیب‌شناسانه به سیاستگذاری راهبردی نیز از این مطلوبیت برخوردار است که کشورها بر مبنای آن می‌توانند نسبت به حفظ و تداوم، بهبود و بازتعریف سیاست‌های موجود مبادرت نمایند. کاربرد روش‌های سیاستگذاری امنیتی درک دقیقی نسبت به تحولات بین‌المللی ایجاد می‌کند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۱۱). سیاستگذاری امنیتی همه کشورها با محیط در تعامل است. اهداف، توانایی‌ها، استراتژی‌ها، ابزارها، فنون، تاکتیک‌ها، سبک و دستگاه سیاست خارجی، هم‌چنین تصمیمات، اقدامات و پیامدهای سیاست خارجی همگی

6 - Security Studies

7 - Barry Buzan

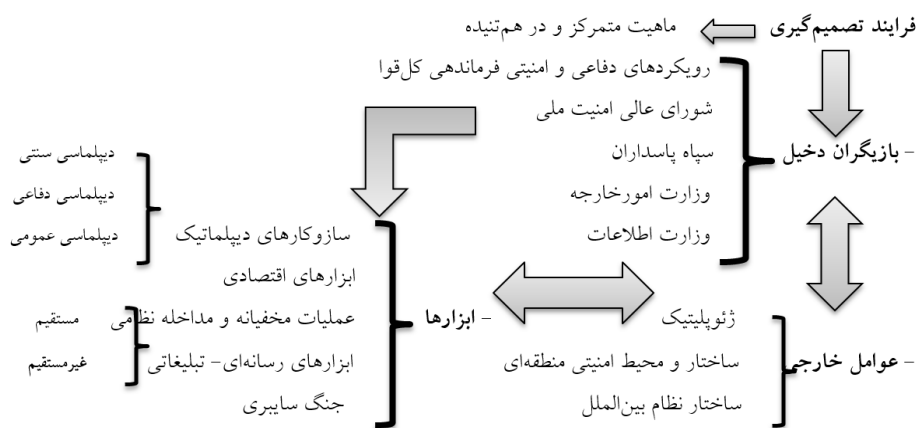
8 - Ole Waever

9 - Inclusive Security

10 - Copenhagen School

در این تعامل، نقش دارند (رمضانی، ۱۳۸۰: ۴۱). از این جهت، سیاستگذاری امنیتی کشورها ممکن است تحت تأثیر عوامل خارجی از قبیل موقعیت ژئوپلیتیک، ساختار نظام بین‌الملل و ساختار و محیط امنیتی منطقه‌ای قرار گیرد (Byman & etal, 2001: 10-13). به عقیده برخی از تحلیل‌گران، سیاستگذاری در زمینه امنیت ملی «انتخاب میان روش‌ها» است (اودم، ۱۳۹۲: ۲۳۶). از این جهت، بررسی و مطالعه سیاستگذاری امنیتی از مجرای بررسی سازوکارها، ابزارها و روش‌هایی که دولت برای نیل به اهداف خود، به شکل اعلام‌شده یا غیراعلامی به کار می‌گیرد، امکان‌پذیر خواهد بود. این سازوکارها ممکن است حقوقی و دیپلماتیک باشند یا در قالب رویکردهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و مالی، رسانه‌ای و تبلیغاتی و جنگ سایبری نمایان شوند. به‌عنوان مثال، کشورها ممکن است از سازوکارهایی چون ائتلاف‌سازی، موازنه (توازن ژئوپلیتیک و موازنه هویتی-ارزشی) و دنباله‌روی بهره‌گیرند. البته راهبردها و ابزارهای مورد استفاده کشورها ممکن است بنابر ملاحظات استراتژیک آن‌ها، صف‌بندی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در آن حضور دارند، و هم‌چنین پویایی‌های مرحله‌ای کشورهای درگیر بحران، دستخوش تغییراتی گردد. در مقام کاریست رهیافت مزبور در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، نقش عوامل خارجی و ابزارها و سازوکارها در سیاستگذاری امنیتی ایران به‌وضوح قابل ملاحظه است (شکل ۱). اما آنچه در این خصوص حائز اهمیت است، ساختار و فرایند تصمیم‌گیری در سیاستگذاری امنیتی ایران می‌باشد. ساختار تصمیم‌گیری و سیاستگذاری به‌معنای سلسله‌مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار در فرایند تدوین و اجرای سیاست خارجی و امنیتی رعایت می‌کنند. تصمیم‌گیری در این حوزه توسط بازیگران فردی، نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که در فرایند تصمیم‌گیری جایگاه مشخص و معینی دارند. بنابراین، فرایند تصمیم‌گیری متأثر از کارکرد ساختار تصمیم‌گیری است که بر رفتار سیاست خارجی و امنیتی تأثیر می‌گذارد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۴۷). به‌لحاظ فرایندی، تصمیم‌گیری در سیاستگذاری امنیتی ایران از ماهیت متمرکز و در هم‌تنیده‌ای برخوردار است. در گرانیگاه سیاستگذاری امنیتی ایران، مقام رهبری قرار دارد. رهبری به‌واسطه اختیاراتی چون تعیین سیاست‌های کلی و نظارت بر اجرای آن، اعلان جنگ و صلح، بسیج نیروها، فرماندهی کل نیروهای مسلح و عزل و نصب فرماندهان عالی‌رتبه (اصل ۱۱۰ ق.ا)، از عالی‌ترین جایگاه در تعیین و اجرای سیاستگذاری امنیتی ایران برخوردار است. سپاه پاسداران هم بازوی اصلی اقدام نظامی، مستشاری و سیاسی جمهوری اسلامی در جهت اجرایی‌سازی سیاستگذاری امنیتی محسوب می‌شود. شورای عالی امنیت ملی نیز تحت نفوذ و کنترل رئیس‌جمهور و رهبری قرار دارد. این شورا در دوره‌های مختلف زمانی و سیاسی عهده‌دار مسئولیت‌های امنیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در بسیاری از مواقع، شورای عالی

امنیت ملی، جایگزین نقش دیپلماتیک وزارت امور خارجه در پیگیری اهداف راهبردی کشور شده است (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۸۷). در چنین روندی، وزارت امور خارجه عمدتاً در موقعیت حاشیه‌ای قرار می‌گیرد و نقش و جایگاه آن محدود به اجرای سازوکارهای دیپلماتیک و حقوقی سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران مطابق سیاست‌های کلی نظام می‌باشد (McInnis, 2017: 11-15).



شکل ۱ - چارچوب مفهومی و فرایندی سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران (منبع: نگارندگان).

سیاستگذاری امنیتی ایران در محیط آشوب‌زده خاورمیانه

سیاست امنیتی ایران را می‌توان برابندی از تعامل عوامل داخلی و خارجی دانست. در رابطه با متغیرهای داخلی بایستی به نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی، برداشت از تهدیدات فراروی اسلام و انقلاب، منافع ملی درازمدت ایران و تعامل احزاب و مؤسسان کشور است که به‌رغم هم‌پوشی نسبی گاهی اوقات نیز به‌عنوان رقیب عمل می‌کنند (Katzman, 2018: 2-3). در حوزه خارجی نیز فاکتورهایی چون واقعیات ژئوپلیتیک، ساختار و محیط امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی سهم ویژه‌ای در شکل‌دهی به راهبرد امنیتی ایران داشته‌اند (McInnis, 2017: 4-7). کانون توجه سیاست امنیتی ایران بر حوزه شرق نزدیک (خاورمیانه)^{۱۱} قرار دارد، جایی که ایران اغلب منابع و ابزارهای قدرت ملی خود را به‌کار گرفته است. در ذیل این مجموعه، منطقه خلیج فارس با ۱۱۰۰ مایل دریایی مشترک با ایران قرار دارد و تأثیرگذاری بر آن همواره به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران مطرح می‌باشد (شکل ۲). همکاری‌های امنیتی فزاینده ایالات متحده با کشورهای واقع در این منطقه (در چارچوب حضور نظامی، انجام تمرین‌ها و رزمایش‌های

نظامی، استقرار پایگاه‌های نظامی) عمدتاً از سوی مقامات ایران به منزله تهدید جدی برای امنیت ملی و فراملی قلمداد گردیده است.



شکل ۲- نقشه شرق نزدیک (Katzman, 2018: 23).

سیاستگذاری امنیتی در محیط آشوب‌زده خاورمیانه از حیث ماهیت و ابزارها تفاوت‌های چشم‌گیری با راهبرد سیاستگذارانه در سایر مناطق جهان دارد. در شرایطی که اتحادیه اروپا در چارچوب امنیت دسته‌جمعی و وابستگی متقابل اقتصادی به عصر پساوستفالی پای گذارده است و چالش‌هایی چون اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و جرایم سازمان‌یافته را به‌عنوان اصلی‌ترین چالش‌های امنیتی خود تعریف می‌کند (نیاکویی، ۱۳۹۲: ۹۶)، چالش‌های امنیتی در خاورمیانه به‌واسطه مؤلفه‌هایی چون ابهام^{۱۲}، عدم قطعیت^{۱۳} و پیچیدگی^{۱۴} محیطی از ماهیتی متفاوت برخوردار است. ساختار امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه به گونه‌ای است که رهیافت‌های امنیتی کنشگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بوزان و ویور محیط امنیتی خاورمیانه را بر اساس نشانه‌هایی از ساخت دائمی منازعه و کشمکش مورد توجه قرار می‌دهند. آن‌ها معتقدند که وجود درگیری‌های تقریباً دائمی در خاورمیانه آن را به نمونه کاملی از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای کلاسیک و دولت‌محور نظامی-سیاسی تبدیل کرده است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۲۹). سیاستگذاری امنیتی مطلوب در چنین شرایطی مستلزم اتخاذ رهیافت‌ها و سازوکارهایی است که بیشترین منافع و کمترین تهدیدها را به ارمغان آورند. ابزارها و سازوکارها نیز به‌منزله عامل اجرایی راهبرد امنیتی ایران محسوب می‌شوند. تعقیب اهداف و منافع ملی و فراملی جمهوری

12 - Ambiguity
13 - Uncertainty
14 - Complexity

اسلامی به‌ویژه در میان بازیگران محور مقاومت نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای متعدد سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، مالی و معنوی می‌باشد. سپاه قدس به‌عنوان بازوی عملیات برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مهم‌ترین سازوکار اجرایی در راستای حمایت از متحدان منطقه‌ای تهران در قالب اقدام نظامی مستقیم محسوب می‌شود. در حالی‌که اقدام غیرمستقیم را ایران در قالب گروه‌های شبه‌نظامی و نایبان خود در منطقه مورد پیگیری قرار می‌دهد. حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق، لشکر زینبیون و فاطمیون از جمله این نایبان منطقه‌ای هستند. کمک‌های مستشاری نیز به‌عنوان جزء مکمل ابزار نظامی غیرمستقیم محسوب می‌شوند. باید توجه داشت که کمک مستشاری تنها در بُعد طراحی نیست بلکه در تکنیک و تاکتیک هم قابل رؤیت است. بخشی از ترتیبات یادشده در زمره الزام‌های راهبردی کنشگری در محیط هرج‌ومرج‌گونه خاورمیانه به‌شمار می‌آیند. حضور فعال ایران در مسائل منطقه‌ای برای تثبیت نقش‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود در منطقه و به‌تبع نظام بین‌الملل است. به‌عبارت دیگر، ارزش استراتژیک ایران در نظام بین‌الملل فعلی تا حد زیادی به ارزش نقش فعال آن در مسائل منطقه‌ای وابسته است (برزگر، ۱۳۹۴: ۷۵).

راهبرد امنیتی ایران در قبال بیداری عربی خاورمیانه

تحولاتی که از دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس آغاز و به‌سرعت بخش وسیعی از پهنه ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا را در نوردید، تأثیرات شگرفی را در محیط امنیتی منطقه‌ای و جهانی به‌جا گذاشته است. تحولات مزبور، دو جزء محوری منظومه امنیتی ایران یعنی محور مقاومت و شرق نزدیک را در معرض چالش‌های جدی قرار داد. در ادامه به واکاوی سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال تحولات اخیر عراق، یمن، سوریه و یمن می‌پردازیم. بر این مبنا، در ابتدا تلاش می‌شود با نگاهی گذرا به تحولات انقلابی اخیر در هر یک از موارد مطالعاتی یعنی کشورهای سوریه (از ژانویه ۲۰۱۱)، یمن (از مارس ۲۰۱۵)، بحرین (از فوریه ۲۰۱۱) و عراق (از سال ۲۰۱۴)، جنبه‌ها و ابعاد مختلف این رویدادها تبیین گردد. سپس متغیرهای مؤثر بر روند سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال هر یک از موارد مطالعاتی، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

عراق

کشور عراق به‌عنوان عضوی از دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه از یک‌سو پیونددهنده ایران به معادلات منطقه‌ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر یکی از رقبای همیشگی ایران در خلیج فارس مطرح می‌باشد. بافت جمعیتی متنوع و شکاف‌های قومی چندسویه عراق از نظر

آسیب‌شناسی امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و سیاستگذاری امنیتی همواره نگرانی ایران را در پی داشته است. افزون آنکه شناسایی فرصت‌های امنیتی ناشی از حضور آمریکا در عراق، نکته دیگری است که سیاستگذاران امنیتی ایران را به خود مشغول می‌نماید، چراکه باید فرصت‌های امنیتی را شناسایی کرد و در استخدام سیاست‌های امنیتی خویش درآورد (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۴۸). جنبش‌های اعتراضی در عراق از سال ۲۰۱۵ در پی افزایش نارضایتی‌ها در میان گروه‌های سنی، کرد و برخی جریان‌های شیعی نسبت به هژمونی شیعیان بر ساختار سیاسی این کشور شکل گرفت. چنین وضعیتی زمینه‌ساز ایجاد بحران‌های اجتماعی متراکم و عمیقی شد. در این میان، ظهور و قدرت‌یابی داعش و بهره‌برداری از شرایط یادشده بر پیچیدگی و ابهامات سیاسی و اجتماعی افزود. بر این مبنای تحولات عراق وارد یک دوره انتقالی شد که به ناچار راهبرد امنیتی بازیگران ذی‌نفع در تحولات این کشور را نیز تحت تأثیر قرار داد.

محیط امنیتی عراق نیز نقش مهمی در تسریع روند یادشده داشت. آغاز بحران سوریه و ورود ایران و حزب‌الله در حمایت از حکومت اسد منجر به ارتقای جایگاه عراق در محور مقاومت شد. حکومت مالکی در عراق به جهت ترس از گسترش تحولات سوریه، امکان عبور هواپیماهای ایرانی را بر فراز عراق جهت انتقال تجهیزات به نیروهای اسد فراهم نمود. در همان حال، بغداد تعدادی از نیروهای شیعه خود را به منظور حمایت از حکومت سوریه گسیل کرد (Al-Khoei, 2013: 33). سرایت موج ناآرامی‌ها و ناامنی‌های سوریه به عراق از سال ۲۰۱۴، بر پیچیدگی معمای امنیتی تهران افزود. تسلط داعش بر حدود ۴۰ درصد از خاک شبه‌دولت عراق و خطر هم‌مرز شدن این گروه تروریستی با ایران، به‌منزله ظهور تهدیدی فوری در حلقه اول منظومه امنیتی ایران محسوب می‌گردید. اعلام اتحاد القاعده در عراق و جبهه‌النصره در سوریه نیز به‌نوبه خود مقوم دیدگاه تهران مبنی بر پیوستگی روند تحولات در عراق و سوریه بود (Goodarzi, 2013: 28). بر این مبنای جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سازوکار دفاع فعال، رهیافت نسبتاً فعالی را در قبال محیط آشوب‌زده عراق در پیش گرفت.

در راستای تعقیب اهداف سیاستگذاری امنیتی ایران در عراق، طیف متنوعی از ابزارهای دیپلماتیک، نظامی-مستشاری، سیاسی و کمک مالی مورد استفاده قرار گرفته است. راهبرد ایران در کمک‌های مستشاری-نظامی به ارتش عراق در قالب ارتقای تحرک نیروهای بسیج مردمی با نقش برجسته سردار سلیمانی همراه بود (نیاکویی و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۴۸). ایجاد حشدالشعبی بخشی از تلاش تهران برای بسیج حمایت گروه‌های مختلف قومی و مذهبی عراق به‌منظور حفظ تمامیت ارضی و امنیت حکومت محسوب می‌گردید. در این رابطه، ایرج مسجدی، سفیر ایران در بغداد، اعلام کرد «در مرحله جنگ با داعش، کمک ایران نظامی و در زمینه سلاح و حمایت لجستیک و آموزش بود و ما در تمامی زمینه‌ها در کنار ارتش و حشدالشعبی و نیروهای مسلح

عراق بودیم» (مسجدی، آبان ۱۳۹۷). با این وجود، پس از اعلام پیروزی در برابر داعش در دی ماه ۱۳۹۷، تهران اعلام کرد که مستشاران ایرانی خاک عراق را ترک کرده‌اند (مسجدی، دی ۱۳۹۷). در مواردی نیز ایران از عملیات نظامی مستقیم به منظور هدف قرار دادن گروه‌های ضدسیستمی در خاک عراق بهره گرفته است. به عنوان مثال، در سپتامبر ۲۰۱۸ ایران مبادرت به انجام حملات موشکی بر علیه مواضع گروهک دموکرات کردستان در شمال عراق کرد. افزون بر این، تهدیدات فزاینده داعش، جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا در تیرماه ۱۳۹۳ تعدادی از هواپیماهای سوخوی ۲۵ خود را به عراق واگذار کند. عراق آن زمان خلبان آماده نداشت و خلبان‌های ارتش عراق هم بیش از بیست سال بود که اصلاً پرواز نداشتند. لذا ایران با برگزاری یک دوره آموزشی آن‌ها را برای پرواز مهیا کرد. دو روز پس از انتقال به عراق، خلبان‌های عراقی کار عملیات هوایی را در حومه بغداد شروع کردند و عملیات رزمی به پشتوانه نیروهای زمینی و حشدالشعبی صورت گرفت (فرزادی‌پور، ۱۳۹۷). ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی نیز سهم ویژه‌ای در سیاستگذاری امنیتی تهران در قبال بغداد داشته‌اند. در این رابطه، ایران سعی کرد تا ضمن تأکید بر اصل امنیت ملی خود یعنی تمامیت ارضی عراق برای تأمین منافع خود چانه‌زنی کند (برزگر، ۱۳۹۳). شکل‌گیری ائتلاف فکر بغداد در سال ۲۰۱۵ که برآیندی از تحرک دیپلماسی نظامی ایران بود، به منزله عزم جدی برای ائتلاف‌سازی با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تلقی می‌شد. طرح استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ نیز از جمله مواردی بود که ایران را بر آن داشت تا به منظور مهار روند تحولات اقلیم از سازوکارهای دیپلماتیک بهره گیرد. بر این مبنا، ترکیه و ایران به عنوان دو بازیگری که به طور مستقیم تحت تأثیر تحولات اقلیم کردستان قرار داشتند، با فعال نمودن سازوکارهای دیپلماتیک در چارچوب رهیافت موازنه تهدید، مبادرت به ایجاد ائتلاف منطقه‌ای تاکتیکی با یکدیگر نمودند. از حیث سیاسی نیز از زمان حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ به گونه‌ای روزافزون نقش و نفوذ ایران در ساختار سیاسی این کشور ارتقا یافته است. در این میان خطر بازگشت نیروهای سیاسی رقیب به قدرت در نتیجه عدم شکل‌گیری دولت ائتلافی و برقراری نوعی تعادل میان نیروهای شیعی در ساختار قدرت عراق به مثابه چالش‌های اصلی فراروی ایران مطرح بوده‌اند. حساسیت‌های موجود در زمینه نقش ایران در روند سیاستگذاری‌های حکومت مرکزی عراق، تهران را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از رویکرد پراگماتیک از تکنوکرات‌ها حمایت کند. به عنوان مثال؛ تهران در دوگانه نوری مالکی و مقتدی صدر از مالکی حمایت کرد تا ضمن حمایت از طرف تکنوکرات، شائبه دامن زدن به درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای را تا حدودی برطرف سازد (یورونیوز، ۲۰۱۸). با این وجود، رویکرد یادشده منجر به فاصله گرفتن جریان صدر از جمهوری اسلامی ایران شد که نشانه‌های آن به وضوح در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ عراق و تحولات بعد از آن قابل ملاحظه

است. در جریان این انتخابات، جمهوری اسلامی ایران عمدتاً از ائتلاف الفتح به رهبری هادی عامری حمایت کرد. ائتلاف مزبور به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه‌های شیعی عراق، عمدتاً متشکل از گروه‌هایی است که بر اساس مدل میلشیا/حزب سازمان یافته‌اند؛ مدلی که حزب‌الله دیرزمانی است در لبنان از آن استفاده می‌کند. این گروه علاوه بر اینکه هسته اصلی حشدالشعبی را تشکیل می‌دهند، قدرتمندترین عامل نفوذ مستقیم ایران در عرصه سیاسی عراق نیز محسوب می‌شود (Smyth, 2018). در رابطه با نقش سازوکارهای مالی در سیاستگذاری امنیتی ایران، عمده‌ترین تلاش‌ها معطوف به تقویت نفوذ در عراق از طریق حمایت مالی از شبه‌نظامیان شیعی همسو و سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط با آن‌ها بوده است (Katzman, 2016: 4). این کمک‌ها در دوران پساداعش نیز در قالب حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی همسو و کمک به بازسازی عراق تداوم یافته است. در همین ارتباط، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور ایران در دیدار از عراق در مارس ۲۰۱۸ بر اختصاص خط اعتباری ۳ میلیارد دلاری تهران برای بازسازی عراق تأکید کرد (Badawi, May 2018).

یمن

هر چند جمهوری اسلامی ایران در حوزه منطقه‌ای، کانون تمرکز خود را بر ژئوپلیتیک مقاومت و دفع چالش‌های امنیتی فراروی آن قرار داده است، اما بهره‌برداری از خلأهای ژئوپلیتیک مستلزم حضور فعال و مؤثر جمهوری اسلامی در تحولات منطقه می‌باشد. تحولات در یمن به‌منزله یک فرصت امنیتی برای گسترش حوزه نفوذ سیاسی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. مجاورت جغرافیایی با عربستان سعودی، اشراف بر شاخ افریقا و امکان کنترل تحرکات این منطقه، اهمیت استراتژیک خاصی به این کشور داده است. تسلط یمن بر تنگه استراتژیک باب‌المندب که اقیانوس هند و دریای عرب را به دریای سرخ و مدیترانه متصل می‌کند و هم‌چنین اشراف کامل بر آبراه حساس دریای سرخ، خلیج عدن و کوه‌های استراتژیک مران در کنار نقش این تنگه در ترانزیت نفت، کالا و تسلیحات نشان‌گر موقعیت ویژه این کشور می‌باشد. وجود حوثی‌ها به‌عنوان بزرگترین اقلیت حاشیه‌ای یمن که از پیوندهای اعتقادی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران برخوردارند نیز بستر مساعدی برای این منظور فراهم کرده است. برای حوثی‌ها، رسیدن بهار عربی به یمن یک موهبت بود. از سال ۲۰۱۱ که مردم یمن برای حمایت از دموکراسی در خیابان‌ها تظاهرات کردند، حوثی‌ها نیز به آن‌ها پیوستند. تظاهرات گسترده به ۳۷ سال قدرت علی عبدالله صالح پایان داد و معاون وی منصور هادی به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد (Milani, Apr 2015). اما به تدریج یک فضای دوقطبی میان حوثی‌ها و دولت منصور هادی شکل گرفت که زمینه‌های لازم را برای افزایش مداخله خارجی

در یمن به وجود آورد. افزون بر این، مداخله نظامی مستقیم ریاض در یمن (که از مارس ۲۰۱۵ با حملات هوایی همراه گردید) نیز به نوبه خود بر ادراک راهبردی تهران از تحولات یمن اثرگذار بود. جمهوری اسلامی تلاش‌های ریاض برای مدیریت تحولات یمن و به قدرت رساندن جریان‌های وابسته را به عنوان تهدیدی راهبردی بر علیه منافعش در منطقه خاورمیانه قلمداد می‌کند. به عبارتی، ظهور نشانه‌های اقدام نظامی غیرمستقیم (نیابتی) ریاض بر علیه محور مقاومت در سوریه، به عنوان یک فاکتور تعیین‌کننده در گرایش تهران به تقویت موازنه قوا در مقابل ائتلاف تحت رهبری سعودی در یمن عمل نمود. بررسی و ارزیابی سیاستگذاری امنیتی ایران در بحران یمن نشان‌گر آن است که شواهد مستندی مبنی بر اقدام نظامی مستقیم جمهوری اسلامی ایران در این کشور وجود ندارد. با این حال، تهران کنش نظامی غیرمستقیم در این کشور را از طریق حمایت‌های مستشاری و تسلیحاتی از حوثی‌ها در دستورکار قرار داده است. از منظر سرلشکر جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، امروز در یمن حاکمیت به دست انصارالله است و کمک‌های ایران در حد مستشاری و معنوی است که یمن بیشتر به آن‌ها نیاز دارد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶). این موضوع به ویژه از سال ۲۰۱۶ که حوثی‌ها مبادرت به پرتاب موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد برکان (با برد تقریبی ۵۰۰ تا ۶۲۰ مایل) به سمت عربستان سعودی کردند، وارد فاز تازه‌ای شده است (Sharp, 2018: 10). در همین ارتباط، روزنامه الاخبار وابسته به حزب‌الله لبنان، مه ۲۰۱۶ گزارش داد که حوثی‌ها به سامانه‌های ضد هوایی و موشک‌های سطح به سطح دست یافته‌اند که می‌تواند موازنه نظامی را بر هم بزند. الاخبار چند روز بعد ادعا کرد که ایران دانش فنی تولید موشک‌های فجر ۵ را که بردی در حدود ۱۰۰ کیلومتر دارد در اختیار حوثی‌ها قرار داده است (لیری، ۱۳۹۴). افزون بر این، ایران در سازمان‌دهی و آموزش نیروهای انصارالله نقش مؤثری داشته است. در این رابطه، سردار قآنی، جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران اعلام داشت: «مدافعان یمن زیر پرچم جمهوری اسلامی تربیت شده‌اند و دشمنان نیز نمی‌توانند با مبارزان یمنی مقابله کنند» (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۴). الگوگیری انصارالله از سبک مبارزاتی محور مقاومت نیز حائز اهمیت است. الگوی مقاومت حوثی‌ها در مقابل حملات هوایی عربستان سعودی دارای وجوه تشابه فراوانی با راهبرد جنگی به کار گرفته شده از سوی حزب‌الله در مقابل اسرائیل بوده است. در این شیوه مبارزاتی، طرف قوی‌تر در نهایت مجبور می‌شود که حملات هوایی را متوقف کند یا اینکه سطح درگیری را بالاتر برده و دست به اعزام نیروهای زمینی بزند. در نبردهای غیرمتقارن، عملیات زمینی معمولاً پرهزینه‌اند و بازی را به نفع سازمان چریکی بر می‌گردانند (لیری، ۱۳۹۴). در همین ارتباط سردار سلامی، انصارالله را نسخه‌ای مشابه حزب‌الله در منطقه‌ای استراتژیک معرفی نموده است. به اعتقاد وی، «امروز انصارالله درست مانند حزب‌الله می‌اندیشد و عمل می‌کند» (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۳). حمایت‌های فرهنگی و معنوی نیز سهم ویژه‌ای

در سیاستگذاری امنیتی تهران در قبال حوثی‌ها داشته است. سرآغاز چنین حمایت‌هایی را می‌توان دوره زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دانست. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران زمینه آموزش مذهبی زیدی‌های یمن را فراهم کرد. به‌عنوان مثال، تعدادی از شیعیان زیدی طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۹ به ایران سفر کردند تا در شهر قم به مطالعه اسلام شیعی بپردازند. در میان آن‌ها، عبدالمالک حوثی، رهبر فعلی حوثی‌ها همراه با برادرش حسین، بنیان‌گذار جنبش بودند. بنابر برخی گزارش‌ها، سکونت آن‌ها در ایران تأثیرات قابل توجهی در شکل‌دهی به نگرش سیاسی آن‌ها داشته است (Juneau, 2016: 655). تهران در کنار شرایط تحصیل با دعوت از علمای زیدی برای شرکت در کنفرانس وحدت و تقریب مذاهب، در جهت تقویت جایگاه مذهب یادشده تلاش کرده است. در جریان اعتراض‌های بیداری عربی در یمن، تهران به حمایت خود از گروه انصارالله تداوم بخشید. تهران با قدرت‌گیری حوثی‌ها، از طریق انعقاد قراردادهای اقتصادی سعی در گسترش روابط با یمن داشته است. این قرارداد مشتمل بر گسترش بندر الحدیده و ساخت نیروگاه‌های گاز و برق بود که در سال ۱۳۹۳ به امضا رسید (دهشیری، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در آبان ۱۳۹۷ نیز سردار سلامی در همایشی با عنوان «حمایت از مردم مظلوم یمن» بیان کرد: «حمایت معنوی خود را از مردم یمن آشکارا اعلام می‌کنیم» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷). در بعد دیپلماتیک و سیاسی سیاستگذاری امنیتی، ایران ضمن استقبال از تحولات انقلابی یمن، خواستار حفظ تمامیت ارضی یمن و نقش‌آفرینی تمامی جریان‌های مذهبی و سیاسی در جهت حل‌وفصل مسأله‌آمیز بحران در این کشور است (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). بدون تردید، تهران حکومت شیعی حوثی در یمن را بر رژیم تحت حمایت سعودی‌ها ترجیح می‌دهد (Hollingshead, 2018: 32). واضح است که تحقق چنین وضعیتی در پیوند با رسالت محوری سیاستگذاری امنیتی ایران برای حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای خواهد بود. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، به‌دنبال حمله عربستان سعودی به یمن طرح چهار ماده‌ای را به دبیرکل سازمان ملل تحویل داد که بسیاری از اصول رهیافت دیپلماتیک و سیاسی ایران در آن قید شده بود. بر این مبنا، ایران خواستار برقراری آتش‌بس و توقف حملات نظامی خارجی، فرستادن فوری کمک‌های انسان‌دوستانه برای مردم یمن، از سرگیری گفت‌وگوی ملی یمنی با هدایت مردم یمن و مشارکت نمایندگان تمام احزاب سیاسی و در نهایت، تشکیل دولت فراگیر و وحدت ملی یمن شد (Kendall, 2017). افزون بر این، تهران در چارچوب راهبرد ضدموازنه تلاش‌های متعددی را در جهت جلوگیری از حضور کشورهای منطقه در ائتلاف سعودی به انجام رساند. اعلان بی‌طرفی و عدم همراهی کشورهایمانند پاکستان، ترکیه و عمان در همین ارتباط قابل ارزیابی می‌باشد.

بحرین

حکومت آل خلیفه در حاشیه جنوبی خلیج فارس به واسطه ویژگی‌هایی چون فرقه‌گرایی و تبعیض مذهبی، اقتدارگرایی، سرکوب جریان‌های معترض، ایجاد محدودیت برای آزادی بیان، حکومت الیگارشیک و شکاف گسترده میان دولت و ملت همواره شاهد اعتراض‌ها و شورش‌های مردمی بوده است (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۵۶-۲۶۰). با عنایت به کم بودن مشروعیت داخلی رژیم آل خلیفه و شکاف جدی و اساسی بین حکومت و مردم، حکومت بحرین همواره سعی کرده تا دوام بقا و امنیت رژیم سیاسی را از طریق اتکا و پیوند با بازیگران خارجی همسو تضمین کند (اسدی، ۱۳۹۰ الف: ۶۸). خاندان آل خلیفه در اصل از قبایل ساکن سرزمین نجد، واقع در عربستان سعودی هستند و پیوند سببی آل خلیفه با آل سعود این مناسبات را به اوج خود رسانیده است. میزبانی بحرین از ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا نیز به این پادشاهی کوچک موقعیت و اعتبار ویژه‌ای داده است. پایگاه مزبور به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه دریایی آمریکا حد فاصل قاره افریقا تا شرق آسیا، مسئولیت حراست از منافع آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان، خلیج عدن و بخشی از دریای سرخ را بر عهده دارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). اعتراضات اولیه ناشی از موج بیداری عربی از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ پایه‌های پادشاهی بحرین را نشانه گرفت. حکومت آل خلیفه در واکنش به این اعتراضات تلاش کرد تا آن را در قالب افراط‌گرایی شیعی و منازعات فرقه‌ای چارچوب‌بندی و با بهره‌گیری از نیروهای عربستانی و اماراتی سرکوب کند. در این میان، نگرانی از گسترش نفوذ ایران و سرایت ناآرامی‌ها به شیعیان شرق عربستان، نقش قابل توجهی در سیاستگذاری کشورهای عربی نسبت به تحولات بحرین داشت. در ۱۵ مارس نیروهای عربستان سعودی و امارات در قالب شورای همکاری خلیج فارس (نیروهای سپر جزیره) نسبت به مداخله نظامی مستقیم در بحرین اقدام نمودند (Katzman, 2012: 9). در عین حال گزارش‌هایی مبنی بر توافق محرمانه آل خلیفه و آل سعود در سرکوب شیعیان بحرین منتشر شد. براساس این توافق، آل خلیفه در قبال حفظ حکومت از سوی دولت سعودی، امتیازات مهمی را به این دولت اعطا کرده است (اسدی، ۱۳۹۰ ب). تحولات بیداری عربی در بحرین هم از بعد ملی و هم از بعد ارزشی-ایدئولوژیک برای ایران حائز فرصت امنیتی بود. سیاست ایران در بحرین مبتنی بر ترکیبی از مسائل مربوط به منافع و ارزش‌هاست. به‌لحاظ منافع، بحرین در حوزه سیاسی-امنیتی ایران در منطقه خلیج فارس قرار دارد و از حیث ارزش نیز به‌واسطه شیعه بودن اکثریت جمعیت بحرین، ایران همواره در قبال هم‌مذهبان خود در این کشور احساس تکلیف کرده است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۹). در حوزه تحولات داخلی بحرین، جمهوری اسلامی ایران اگرچه اغلب به‌عنوان بازیگری تجدیدنظرطلب ایفای نقش نموده اما در وادی عمل این نقش‌آفرینی به حمایت‌های معنوی، دیپلماتیک و سیاسی از مخالفان محدود شده است. بر این مبنا، جمهوری اسلامی نه‌تنها

در عرصه مداخله نظامی مستقیم در بحرین وارد نشده بلکه تلاش داشته تا نسبت به امنیتی‌سازی مداخله نظامی سعودی‌ها در بحرین مبادرت کند. وجود اکثریت شیعه در بطن جامعه بحرین (حدود ۷۰-۶۰ درصد)، به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در زمینه گسترش نفوذ معنوی ایران در میان گروه‌های شیعی بحرین عمل نموده است (Rivera, 2015). افزون بر اشتراکات دینی و مذهبی، تجانس فرهنگی ایران با جریان‌های مخالف بحرینی هم به‌نوعی بسترساز گسترش حوزه نفوذ ایران در این کشور می‌باشد. بحرین تا سال ۱۹۷۱ جزو سرزمین ایران و تحت حاکمیت ایرانی بود و بخش اعظم شیعیان این کشور در اصل از مناطق جنوبی ایران هستند که طی سال‌ها، ارتباطات خود با ایران را حفظ کرده‌اند. جمعیت وفاق، به‌عنوان برجسته‌ترین تشکل سیاسی شیعه در بحرین تأثیرات قابل‌توجهی از اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی را پذیرفته است. این جریان هم‌چنین در خصوص موضوع فلسطین مواضعی نزدیک به ایران و جریانات مقاومت دارد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۹۴). در میان رهبران انقلاب بحرین نیز آیت‌الله عیسی احمد قاسم به‌عنوان رهبر معنوی شیعیان بحرین و شیخ علی سلمان، رهبر جمعیت الوفاق، به‌وضوح تحت تأثیر افکار و آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار داشته‌اند. در بعد دیپلماتیک و حقوقی سیاستگذاری امنیتی، ایران از زمان آغاز تحولات بحرین بر لزوم توجه حکومت به حقوق و درخواست‌های مردم تأکید کرد و اعتراض شدیدی هم به سرکوب مخالفان از سوی آل‌خلیفه و ورود نیروهای سعودی و اماراتی به بحرین نمود (اسدی، ۱۳۹۰). جمهوری اسلامی در اسفند ۱۳۸۹ در اعتراض به کشتار و سرکوب وسیع شیعیان بحرین، سفیر خود را در این کشور فراخواند (جام‌جم آنلاین، ۱۳۸۹). حمایت‌های ایران حتی به سطح بیانیه‌های رسمی و موضع‌گیری‌های مسئولان کشور نیز کشانده شد. در همین ارتباط، وزارت امور خارجه ایران با ارسال نامه‌هایی به دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس شورای امنیت و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ضمن هم‌ردیف شمردن تحولات بحرین با قیام‌های مردمی تونس و مصر، خواستار انجام اقدامات جدی و سریع شورای امنیت برای توقف کشتار مردم بحرین شد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰). محمدجواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ایران نیز در نامه‌ای به آنتونیو گوترس، دبیرکل سازمان ملل متحد، اصلاح مسألت‌آمیز امور و لغو احکام غیرعادلانه علیه شیخ عیسی قاسم را خواستار شد (ایسنا، ۱۳۹۶). به‌موازات سازوکارهای یادشده، جمهوری اسلامی ایران از بازوهای رسانه‌ای خود در راستای به‌نمایش گذاشتن اعتراضات مردمی و سرکوب‌گری آل‌خلیفه و رژیم سعودی بهره گرفته است. به‌عنوان مثال، در بازه زمانی پنج ماهه شهریور تا دیماه ۱۳۹۳، در حدود ۹۰٪ این زمان (بیشتر از ۱۳۵ روز)، شبکه پرس‌تی‌وی دست‌کم یک یا دو خبر و گزارش تحلیلی درباره بحرین را روی آنتن فرستاد و با برخی معترضان در تبعید؛ نظیر سعید الشهابی، مصاحبه زنده و یا ضبطی داشت. هم‌زمان با اعتراضات رسمی، شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما جمهوری اسلامی به‌ویژه العالم

و هم‌چنین خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های دولتی چون الوفاق، کیهان عربی، ایرنا، ایسنا، تسنیم، فارس‌نیوز، کیهان، ایران، جام‌جم و رسالت نیز به پوشش پرحجم این رویدادها و برجسته‌سازی اعتراضات مردمی به بازداشت شیخ علی سلمان پرداختند و در عمده اخبار و تحلیل‌های مربوط به این موضوع، آن را اقدامی نادرست و تحریک‌کننده و برخلاف اصول اساسی حقوق بشر معرفی می‌کردند (مجیدی و کاظمی‌دینان، ۱۳۹۵: ۳۳).

سوریه

روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه از جایگاه ویژه‌ای در تفکر استراتژیک دو طرف برخوردار بوده است. بر این مبنا، روابط دو کشور از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) به سرعت بهبود و گسترش یافته و تحت تأثیر منافع بنیادین مشترک این مناسبات تا سطح اتحاد استراتژیک ارتقا پیدا کرد. سوریه، نخستین کشور عربی بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت (Yolcu, 2016: 47). افزون بر این، سوریه تنها متحد وفادار عربی ایران در خلال جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران و مجرای اصلی کمک‌های مالی و نظامی ایران به حزب‌الله لبنان و حماس از دهه ۱۹۸۰ بوده است (Goodarzi, 2013: 25). موقعیت ژئوپلیتیک سوریه در خط مقدم محور مبارزه با اسرائیل و امکان اتصال ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک از طریق بنادر طرطوس و بانپاس نیز سبب گردیده تا این کشور نقش ممتازی در سیاستگذاری امنیتی ایران داشته باشد. تحولات بیداری عربی از فوریه ۲۰۱۱ سوریه را در بر گرفت. بحران مزبور در ابتدا با برخی تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز آغاز شد اما به سرعت و تحت تأثیر عواملی چون نقش بازیگران منطقه‌ای، نوع واکنش حکومت به اعتراضات و پیشینه تاریخی به سمت جنگ داخلی سوق پیدا کرد. بحران در سوریه به منزله ظهور تهدید جدی برای یکی از اجزای اصلی جبهه مقاومت بود. تهران، تهدید مزبور را در چارچوب تلاش رقبای منطقه‌ای برای ضربه زدن به یکی از متحدان اصلی خود و تحدید قدرت و نفوذش در خاورمیانه ادراک نمود. در حوزه سیاستگذاری امنیتی، ایران طیف متنوعی از سازوکارها و روش‌ها را به‌منظور تداوم حضور اسد بر مسند قدرت و حفظ تمامیت ارضی سوریه مورد استفاده قرار داده است. در جنبه دیپلماتیک و سیاسی سیاستگذاری امنیتی، ایران از زمان آغاز بحران بر لزوم حفظ تمامیت ارضی سوریه و احترام به حاکمیت ملی این کشور تأکید داشت (SANA, 2015). به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران، بحران سوریه یک مسئله داخلی است که در چارچوب سازوکارهای مسالمت‌آمیز از جمله اصلاحات سیاسی و گفتگوی مخالفان و حکومت قابل حل می‌باشد از این منظر، دخالت بازیگران خارجی تنها به پیچیده شدن خشونت‌ها در این کشور منجر می‌شود. ایران هم‌چنین در مذاکرات چندجانبه برای حل بحران سوریه نقش فعالی را ایفا نموده است. به‌عنوان مثال، تهران

با الحاق به طرح روسی مذاکرات آستانه در کنار آنکارا و مسکو تلاش‌های دیپلماتیک مفصلی را در راستای حفظ و تداوم رژیم اسد تعقیب نمود. پشتیبانی نظامی و امنیتی تهران از دمشق نیز از سال ۲۰۱۲، یعنی زمانی که بحران در سوریه ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی به خود گرفت، برجسته شد. ایران در راستای تداوم بقای حکومت اسد مبادرت به ارسال ادوات و مستشاران نظامی به این کشور کرد. در کنار نیروهای مستشاری سپاه قدس، نیروی زمینی سپاه پاسداران و ارتش به‌عنوان دیگر اجزای حلقه حمایت مستشاری ایران از حکومت اسد ایفای نقش نموده‌اند. در خصوص ماهیت و ترکیب این نیروها، سردار خاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، اظهار داشته‌اند: «ما در بخش زمینی به کمک نیروی قدس رفتیم و از برادران باتجربه زمان جنگ و درگیری‌های چند سال اخیر شمال غرب و جنوب شرق کشور - که شکل آن با جنگ سوریه نزدیک بود - استفاده کردیم و به‌عنوان مستشار به سوریه فرستادیم که الان هم آنجا هستند و باز هم اعزام خواهیم داشت» (خاکپور، ۱۳۹۶). از جمله اقدامات مستشاران نظامی ایران در سوریه، پایه‌گذاری نیروی دفاع ملی (قوات الدفاع الوطني) با الگوبرداری از بسیج ایران بود که هدف محوری اعاده مشروعیت و حفظ امنیت حکومت از طریق بسیج حمایت اجتماعی را تعقیب نموده است. در ماه می ۲۰۱۶، بستر تشکیل ساختار شبه‌نظامی دیگری به نام نیروهای دفاع محلی شکل گرفت که خارج از ساختار نیروهای دفاع ملی بود و به‌طور مستقیم توسط ایران سازمان‌دهی شد (آزاد و ابراهیمی فر، ۱۳۹۷: ۱۸۰). سازوکار یادشده در کنار نیروهای شیعه طرفدار دولت از حزب الله لبنان تا عراقی‌ها و افغانی‌ها و لشکر زینبیون تحت عنوان نیروهای مدافع حرم مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، مستشاران ایران به‌طور مستقیم بر آموزش شبکه نظامی سوریه، تجهیز آن‌ها به ابزارهای تسلیحاتی، نظارت بر عملیات نظامی و دست‌ورکار مذاکره با گروه‌های معارض، اشراف و کنترل داشته‌اند. ایران در برنامه‌ریزی و فرماندهی درگیری‌ها، ترسیم خطوط تفکیک در داخل سوریه و جابه‌جایی یگان‌های نظامی با توجه به دگرگونی‌های عملیات میدانی نیز نقش پررنگی را ایفا نموده است (طلاء، ۲۰۱۷). عملیات زمینی نیروهای تحت رهبری ایران و شخص سردار سلیمانی نقش مؤثری در متقاعد کردن مقامات روس (به‌ویژه پوتین) به منظور ورود نظامی به مسأله سوریه داشت. حملات موشکی ایران از داخل خاک خود بر علیه مواضع گروه‌های تکفیری و معارضان را نیز بایستی بخشی از سازوکار اقدام نظامی مستقیم تهران قلمداد کرد. حمله موشکی نیروی هوافضای سپاه پاسداران به مقر فرماندهی و مراکز تجمع و پشتیبانی عملیاتی داعش در منطقه دیرالزور سوریه در سال ۲۰۱۷ (خرداد ۹۶) از پایگاه‌های موشکی این نیرو در استان‌های کرمانشاه و کردستان (با فاصله حدود ۶۵۰ کیلومتر) انجام گرفت. در سال ۲۰۱۸ نیز یگان موشکی نیروی هوافضای سپاه پاسداران در پاسخ به حمله اهواز با شش فروند موشک زمین به زمین، مقر عاملان این حمله را در شرق فرات در کشور سوریه هدف

قرار داد. در کنار موارد فوق تصمیم تهران مبنی بر صدور مجوز برای استفاده جنگنده‌های روسیه از آسمان ایران و سوخت‌گیری‌شان از پایگاه هوایی نوژه به منظور انجام حملات موشکی بر ضد مخالفان اسد در سوریه از سازوکار جدید ایران در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای پرده برداشت. برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، یک کشور خارجی از آسمان و خاک ایران برای انجام مأموریت نظامی علیه مواضعی در کشور ثالث بهره می‌گرفت (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶). همزمان ایران از حکومت اسد و گروه‌هایی نظیر ارتش الکترونیکی سوریه، حمایت آموزشی و فنی کرده است (فارن‌پالیسی، ۱۳۹۶). برخی گزارش‌ها نیز از جنگ سایبری بر علیه نیروهای مخالف اسد با هدف اختلال در کارکرد تجهیزات دفاعی و زیرساخت‌های آن‌ها در زمان انجام حملات نیروهای حکومتی حکایت داشت.

جدول ۳ - شمای کلی سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال منازعات سوریه، عراق، یمن و بحرین (منبع: نگارندگان)					
سازوکارهای سیاستگذاری کشور	اقدام نظامی (مستقیم و یا نیابتی)	اقدامات مستشاری-نظامی (کم دامنه و غیرمستقیم)	اقدامات معنوی	اقدامات سیاسی - دیپلماتیک و حقوقی	سایر اقدامات و حمایت‌ها
سوریه	<ul style="list-style-type: none"> - کنش نظامی از طریق بازیگران نیابتی و سازماندهی شبه‌نظامیان خارجی حامی اسد مانند زینبیون و فاطمیون. - اقدام نظامی مستقیم به- صورت حضور نیروهای نظامی ایرانی در کنار نیروهای سوریه و همچنین عملیات مستقیم علیه گروه‌های تکفیری مانند داعش. 	<ul style="list-style-type: none"> - ارسال ادوات و مستشاران نظامی. - پایه‌گذاری نیروی دفاع ملی و نیروهای دفاع محلی با الگوبرداری از بسیج ایران. - نظارت مستشاران ایرانی بر آموزش شبکه‌ی نظامی سوریه، تجهیز آن‌ها به ابزارهای تسلیحاتی. 	-----	<ul style="list-style-type: none"> - تلاش برای متقاعد نمودن روسیه برای ورود نظامی به بحران سوریه. - حمایت دیپلماتیک از تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی سوریه. - حضور و نقش آفرینی دیپلماتیک از جمله در مذاکرات آستانه. - تلاش برای ایجاد و تقویت ائتلاف‌های سیاسی منطقه‌ای حامی دولت سوریه از جمله ائتلاف فکر بغداد با حضور عراق و سوریه و روسیه. 	<ul style="list-style-type: none"> - جنگ سایبری علیه مخالفان حکومت اسد. - حمایت آموزشی و فنی از ارتش الکترونیکی سوریه.

<p style="text-align: center;">عراق</p> <p>- کنش نظامی از طریق گروه- های نیابتی یا هم‌پیمان مانند حشدالشعبی.</p> <p>- اقدام نظامی مستقیم در قالب عملیات موشکی و آزادسازی برخی مناطق از تصرف داعش و عملیات علیه مواضع حزب دموکرات کردستان (سپتامبر ۲۰۱۸).</p>	<p>- کمک‌های مستشاری- نظامی به ارتش عراق در قالب کمک‌های تسلیحاتی (از جمله حضور جنگنده‌های ایرانی در کنار ارتش عراق)، حمایت لجستیک، آموزش نیروها و ارتقای تحرک نیروهای بسیج مردمی.</p>	<p>- بهره‌گیری از پتانسیل تشیع و مرجعیت و مناسک مذهبی برای گسترش پیوندها و تعمیق روابط دو کشور و تأثیرگذاری سیاسی.</p>	<p>- هم‌سویی با بغداد و ائتلاف تاکتیکی با ترکیه در موضوع استقلال اقلیم کردستان.</p> <p>- تلاش برای استقرار دولت ائتلافی و برقراری نوعی تعادل مطلوب میان نیروهای شیعی در ساختار قدرت عراق.</p> <p>- حمایت از ائتلاف الفتح و جریان- های همسو در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ و تلاش برای شکل‌گیری دولت مطلوب.</p> <p>- تأکید بر تمامیت ارضی عراق و مخالفت جدی با هرگونه حرکت تجزیه‌طلبانه و استقلال‌طلبانه</p>	<p>- سرمایه‌گذاری در طرح- ها و پروژه‌های اقتصادی و غیره.</p> <p>- جنگ الکترونیکی علیه داعش از طریق عملیات پهبادی.</p>
---	--	--	--	---

<p>- انعقاد قراردادهای اقتصادی با انصارالله از جمله قرارداد گسترش بندر الحدیده و ساخت نیروگاه‌های گاز و برق.</p>	<p>- تلاش برای ایجاد شکاف و جلوگیری از حضور کشورهای منطقه در ائتلاف سعودی. - تأکید بر حفظ تمامیت ارضی یمن و نقش آفرینی تمامی جریان‌ها در جهت حل و فصل مسألت‌آمیز بحران. - ارائه طرح صلح چهار ماده‌ای به دبیرکل سازمان ملل.</p>	<p>- گسترش ارتباطات فرهنگی مذهبی و تأثیرگذاری فکری بر مبارزین یمن. - حمایت رسانه‌ای از مبارزین یمنی.</p>	<p>- انتقال دانش فنی و موشکی به نیروهای حوثی. - الگوگیری انصارالله از سبک مبارزاتی محور مقاومت. - نقش آفرینی محدود در سازمان‌دهی و آموزش نیروهای مبارز یمنی.</p>	<p>-----</p>	<p>یمن</p>
<p>-----</p>	<p>- حمایت سیاسی از مخالفان. - تأکید بر لزوم توجه حکومت به حقوق و مطالبات مدنی. - تلاش‌های دیپلماتیک برای محکوم کردن مداخلات خارجی و سرکوب از جمله فراخواندن سفیر.</p>	<p>- گسترش ارتباطات فکری فرهنگی و تأثیرگذاری بر مبارزین بحرینی. - حمایت رسانه‌ای از مردم مظلوم بحرین.</p>	<p>-----</p>	<p>-----</p>	<p>بحرین</p>

آسیب‌شناسی سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال تحولات خاورمیانه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در حوزه سیاستگذاری خارجی، مسئله تصمیم‌گیری‌های نادرست یا افتادن به دام تله‌های تصمیم‌گیری^{۱۵} است یعنی تصمیمی که به احتمال زیاد در اجرا منجر به نیل به اهداف موردنظر نشود یا حتی نتایج آن از نظر اهداف منفی باشد یا به‌نحوی تأثیرات منفی مخربی برای کنشگر به‌دنبال داشته باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۰). بر اساس نشانه‌ها و روندهایی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت، سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال تحولات اخیر خاورمیانه به‌ویژه چهار مورد مطالعاتی یمن، عراق، بحرین و سوریه، نشانه‌هایی از ابهام و تضاد سیاستگذارانه را به نمایش گذاشته است. ایران در بحران سوریه بنا بر منافع ژئوپلیتیک و استراتژیک و تا حدودی بر خلاف منافع هویتی-ارزشی خود از سیاست حفظ وضع موجود و تضمین بقای حکومت اسد حمایت کرد. در بحران‌های عراق و یمن نیز با عنایت به درگیری هم‌زمان منافع ژئوپلیتیک و منافع هویتی-ارزشی، بخش اعظم ابزارهای سیاست امنیتی خود را در راستای حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای خود به‌کار گرفته است، در حالی‌که در رابطه با اعتراضات بحرین، ایران به‌رغم برخورداری از هر دو دسته منافع مزبور، دخالت چندانی نداشته و صرفاً به حمایت دیپلماتیک و معنوی از مخالفان حکومت آل‌خلیفه بسنده کرده است.

پیچیدگی‌های موجود در زمینه ساختاری و فرایندی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری راهبردی نیز جلوه‌هایی از ابهام و ناکارآمدی را برجسته نموده است. در این رابطه می‌توان به عواملی چون تعداد زیاد نهادها، نقش پراهمیت بازیگران غیرحکومتی، هم‌پوشانی ساختارهای نهادی و فقدان تقسیم کار واضح میان ترتیبات امنیتی کشور اشاره داشت (Byman & etal, 2001: 21). در نگاه نخست، بین اهداف یعنی سیاست گسترش نفوذ منطقه‌ای و ابزارها یا همان مقدورات و امکانات ایران عدم تناسب وجود دارد. اگرچه تلاش‌های ایران سبب دفع تهدیدات امنیتی مستقیم کشور شده اما شکاف بین مسئولیت بین‌المللی کشور و مقدورات و توان اقتصادی داخلی در بلندمدت و حتی میان‌مدت زمینه آسیب‌پذیری کشور را فراهم می‌آورد. نشانه‌های چنین رهیافتی در پرتو افزایش مطالبات و فشارهای داخلی به ایران قابل ملاحظه است. فشارهای بین‌المللی به‌منظور امنیتی‌سازی سیاست منطقه‌ای ایران نیز عمدتاً حول این محور سازمان‌دهی شده است. علی‌رغم برخی گشایش‌ها در دوران پس از انعقاد برجام، با روی کار آمدن دولت ترامپ و خروج وی از این معاهده در ماه می ۲۰۱۸ به بهانه محدود کردن برنامه موشکی و مهار نقش منطقه‌ای ایران، تحریم‌های مالی احیا شده‌اند. آن‌گونه که راهبرد نوین دولت ترامپ ادعا داشته، مقابله با فعالیت‌های بدخیم^{۱۶} تهران در ورای مرزهایش ایجاب می‌کند که ایالات متحده نسبت به قطع

15 - Decision Pitfalls

16 - Malign Activities

شریان‌های مالی تهران به‌منظور حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه‌ای مبادرت نماید (The White House, Oct 2017). هدف دولت ترامپ از استراتژی فشار حداکثری علیه ایران، شوروی‌سازی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تجارب دولت ریگان علیه اتحاد شوروی و فروپاشی آن در اواخر دوره جنگ سرد است (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۵۸). در این راهبرد، از عدم تعادل میان مقدرات و اهداف به‌عنوان ابزاری مؤثر در جهت امنیتی‌سازی سیاستگذاری راهبردی بازیگران رقیب و دشمن استفاده می‌شود. در حوزه سیاست خارجی نیز ایالات متحده و اسرائیل تلاش نموده‌اند تا زمینه شکل‌گیری چند بحران در آسیای جنوب غربی تا شرق مدیترانه را برای ایران به‌وجود آورند. چنین رویکردی به مفهوم آن است که نظریه‌پردازان راهبردی آمریکا از الگوی ایجاد چهار جنگ در محیط منطقه‌ای بهره گرفته و بر این مبنا تلاش دارند تا قابلیت راهبردی، هویتی و تاکتیکی ایران را در وضعیت تجزیه قرار دهند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

از طرف دیگر، بیداری عربی از همان آغاز به عرصه بازی قدرت میان کنشگران منطقه‌ای به‌منظور کسب موقعیت هژمون منطقه‌ای تبدیل شد. در این رابطه، تلقی رایج در میان اغلب بازیگران منطقه مبنی بر تعقیب بازی با حاصل جمع صفر^{۱۷} منجر به تصاعد بحران و سوق دادن منطقه به سمت تعمیق گسست‌های گفتمانی و جنگ‌های هویتی و نیابتی گردید. در این وضعیت، هرگونه تحول عمده در حوزه موازنه قوای منطقه‌ای، از سوی بازیگران دیگر به‌عنوان تهدید، ادراک می‌گردد. به‌عنوان مثال، تسلط ایران بر تنگه راهبردی باب‌المنذب از طریق حوثی‌ها می‌تواند با عنایت به کنترل جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز، روند صدور نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس به بازارهای جهانی را دچار اختلال ساخته (Coffey, June 2018) و با عنایت به پیوستگی قابل توجه مقوله امنیت در جهان معاصر به‌ویژه اهمیت امنیت انرژی در مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، امکان اجماع‌سازی جهانی بر علیه سیاست‌های ایران را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد. از این جهت، به‌کارگیری سازوکارهای یک‌سویه و تعارض‌آمیز پیامدهای مخربی بر سیاستگذاری امنیتی سایر کنشگران منطقه‌ای خواهد داشت. واضح است که آنارشیک‌بودن محیط امنیتی خاورمیانه به‌معنای امتناع هرگونه همکاری در روابط کشورها و بازیگران منطقه‌ای نخواهد بود، به‌ویژه که تحول از تعارض منافع به تعارض هویتی در حوزه منطقه‌ای تا حدود زیادی ناشی از فقدان سازوکارهای ارتباطی و همکاری‌جویانه می‌باشد.

با عنایت به حاکم شدن گفتمان فرقه‌گرایی در خاورمیانه در دهه اخیر، سیاست خارجی ایران از سوی اغلب کشورهای عرب سنی در چارچوب تلاش‌های فرقه‌گرایانه شیعی برداشت شده و این موضوع به‌نوبه خود پیامدهای مخربی بر قدرت نرم منطقه‌ای ایران و جریان‌ات شیعی چون حزب‌الله لبنان داشته است. تلاش‌های کشورهایی مانند ترکیه، عربستان و سایر کشورهای عربی

به منظور ائتلاف‌سازی در برابر ایران و بالعکس در عمل به تشدید شکاف شیعه- سنی در خاورمیانه انجامیده است. موضوع یادشده را می‌توان با بهره‌گیری از سطوح سه‌گانه تحلیل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. در سطح داخلی، غالب شدن گفتمان شیعه-سنی در خاورمیانه منجر به تشدید شکاف‌های فرقه‌ای- مذهبی و سیاسی شدن لایه‌هایی از اهل تسنن در داخل ایران و گسترش جریان‌های تکفیری نیز ملاحظه می‌شود. چنین وضعیتی در نتیجه دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش آن‌ها برای بهره‌برداری از فضای موجود، با ظهور نشانه‌هایی از اقدامات خرابکارانه گروه‌های تروریستی در داخل خاک ایران همراه شده است. در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان به واگرایی بی‌سابقه در روابط با عربستان و نزدیکی قابل تأمل کشورهای عربی به اسرائیل اشاره داشت که به موازات تشدید مسابقه تسلیحاتی در منطقه، چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای را نیز با چالش‌های جدی مواجه کرده است. اسرائیل و عربستان سعودی در نتیجه دشمنی مشترک با ایران، با یکدیگر متحد شده و تفاوت‌های ایدئولوژیک عمیق را تا حدودی کنار گذاشته‌اند. به علاوه، تشدید کشمکش‌های فرقه‌ای باعث گردیده تا ساخت منازعه اعراب-اسرائیل و جبهه مقاومت-اسرائیل با عناصر ناسیونالیسم و اسلام در اثر تحولات فوق با نوعی گذار ایدئولوژیک مواجه گردد (نیاکوبی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۷۳). در رابطه با بازیگران غیردولتی متحد ایران نیز نشانه‌هایی از کاهش قدرت نرم مشهود است. به عنوان مثال، می‌توان به فاصله گرفتن حماس از ایران به جهت حمایت تهران از رژیم اسد در مقابل اخوان المسلمین اشاره داشت. ائتلاف دولت‌های سوریه و عراق و بازیگران ذی‌نفع خارجی در جهت حفظ و تداوم گروه‌های شبه‌نظامی (چون حشدالشعبی و نیروهای دفاعی ملی و محلی و حتی انصارالله) در دوران پس از فروکش کردن بحران و استمرار حضور مستشاری ایران در این کشورها نیز موضوعی چالش‌برانگیز است. در سطح بین‌المللی نیز، ایفای نقش ایران و عربستان به عنوان کنشگران اصلی «راهبرد موازنه فراساحلی»^{۱۸} ایالات متحده که در قالب احاله مسئولیت به آن‌ها بر محور حفظ موازنه قوای منطقه‌ای نمایان گردیده، وجه دیگری از ساخت قدرت را برجسته می‌سازد. چنین رهیافتی در میان اسناد بالادستی دولت ترامپ نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال؛ سند راهبرد ضد تروریسم ۲۰۱۸ آمریکا این ادعا را مطرح می‌کند که «ایران از تروریسم به عنوان یک ابزار بارز سیاست خارجی بهره می‌گیرد» (NSCT, 2018: 9).

شکاف موجود میان دیپلماسی رسمی و دیپلماسی نظامی-دفاعی ایران نیز به نوبه خود در مواردی هم به انفعال در سیاست منطقه‌ای ایران منجر گردیده است. به عنوان مثال؛ ایران نتوانست دیپلماسی فعال و چندجانبه‌ای را برای حمایت عملی از مردم بحرین اتخاذ نماید و حمایت ایران در سطح برخی بیانیه‌های رسمی و موضع‌گیری‌های مسئولان کشور محدود ماند. در رابطه

با دیپلماسی عمومی و قدرت رسانه‌ای ایران نیز نشانه‌های بارزی از ضعف و ناکارآمدی به چشم می‌خورد. سیاست منطقه‌ای ایران و نوع بازتاب آن در رسانه‌های غربی-عربی با توجه به گفتمان غالب منطقه در دهه‌های اخیر می‌تواند زمینه تصویرسازی منفی بر علیه جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد. در حوزه روابط بین‌الملل عمدتاً اعتقاد بر این است که «تصویر مهم‌تر از واقعیت است». بر این مبنا، بسیاری از کشورها تلاش داشته‌اند تا از طریق تأکید بر وجه نرم‌افزاری، مخاطرات معطوف به بهره‌گیری از سازوکارهای سخت‌افزاری را در حوزه سیاستگذاری امنیتی کاهش دهند. در سطح دیگری می‌توان به تصویرسازی‌های منفی نخبگان فکری و ابزاری خارجی از سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره داشت. طرح هلال شیعی^{۱۹} از سوی بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و برجسته‌نمودن موضوع «احیای امپراتوری پارس‌ها» از سوی تحلیلگرانی چون کسینجر (Kissinger, 2014) در زمره نشانه‌هایی بوده‌اند که به موازات طرح برخی سیگنال‌ها در داخل مبنی بر در اختیار داشتن بسیاری از تنگه‌ها برای مقابله با تحریم نفتی ایران (روحانی، مرداد ۱۳۹۷) یا طرح موضوع رسیدن مرزهای ایران به مدیترانه و باب‌المنندب (سعیدی، ۱۳۹۴) هریک به‌نوعی به تقویت این انگاره کمک نموده است.

توصیه‌های سیاستی

سیاستگذاری امنیتی ایران در دوران پس از بهار عربی مؤید آن است که ایران طیف متنوعی از سازوکارهای دیپلماتیک، سیاسی، نظامی-مستشاری و اقتصادی را به‌منظور حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای خود مورد استفاده قرار داده است. در این میان، با عنایت به جایگاه عراق و سوریه در منظومه امنیتی ایران و محور مقاومت، تهران از تمامی ظرفیت‌های سیاستگذاری خود برای تداوم و تحکیم جایگاه متحدان خود در این کشور بهره گرفته است. روند تحولات یمن نیز به‌گونه‌ای رقم خورده که نشانه‌های یادشده در ارتباط با کنش استراتژیک تهران در قبال این کشور قابل رؤیت است. در نهایت، در مورد بحرین، جمهوری اسلامی ایران تنها به حمایت‌های معنوی و دیپلماتیک بسنده کرده است. با بهره‌گیری از رهیافت آسیب‌شناختی در رابطه با سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال تحولات بیداری عربی می‌توان توصیه‌های سیاستی به شرح زیر را پیشنهاد کرد:

الف) متنوع‌سازی سازوکارها، ابزارها، تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها نیز جلوه دیگری از یک سیاستگذاری امنیتی کارآمد را شامل می‌شود. این مقوله به‌وضوح در رهیافت رقبای منطقه‌ای ایران قابل رؤیت است. به‌عنوان مثال، عربستان به‌منظور مهار نفوذ منطقه‌ای ایران از راهبردهای مختلفی چون سازمان‌های منطقه‌ای (استفاده از سازمان همکاری اسلامی برای محکوم کردن ایران

به مداخله در امور داخلی کشورهای اسلامی)، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای (تصویرسازی در مورد تلاش‌های منطقه‌ای ایران و نسبت دادن آن‌ها به گسترش فرقه‌گرایی شیعی) و اهرم‌هایی چون نفت (برای جایگزین کردن نفت ایران و به حاشیه راندن ایران)^{۲۰} بهره گرفته است. واضح است که اتخاذ راهبرد ضد موازنه از جانب ایران مستلزم متنوع‌سازی ابزارها و رهیافت‌های سیاست خارجی و امنیتی می‌باشد.

ب) سیاستگذاری امنیتی کارآمد و مؤثر در محیط منطقه‌ای مستلزم آن است که سیاست خارجی کشور ضمن تداوم فعالیت در عرصه‌های میدانی، با گسترش تعامل و گفتگوهای منطقه‌ای و بهره‌گیری از بازی‌های برد-برد و حفظ موازنه منطقه‌ای مطلوب زمینه افول گفتمان منازعه‌آمیز شیعه-سنی در منطقه را فراهم آورده و فضاهایی از برداشت عدم تهدید را گسترش دهد. قابلیت تبدیل پیروزی‌های میدانی به نتایج سیاسی در زمره نشانه‌های بارز موفقیت در عرصه سیاستگذاری راهبردی در نظر گرفت. روند انتقالی موجود در کشورهای سوریه، یمن و عراق به وضوح، اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد.

ج) افزون بر این، بایستی نسبت به ظرایف ائتلاف‌سازی در محیط پویا و پرابهام خاورمیانه با دقت خاصی نگریست. اشتباه راهبردی در گزینش هم‌پیمانان، عدم عنایت به سطح‌بندی ائتلاف‌ها (تاکتیکی- راهبردی) می‌تواند در بردارنده مخاطرات جدی برای کشور باشد.

د) راهبرد مناسب به‌منظور مقابله با ایران‌هراسی نمی‌تواند بدون توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های رهیافت امنیت به‌هم پیوسته اتخاذ گردد. برای مقابله با عناصر و مؤلفه‌های یادشده، می‌توان در چارچوب رهیافت امنیت جامع عمل نمود. در این میان، از یک‌سو می‌توان از تأکید بیش از اندازه بر وجه سخت‌افزاری در سیاستگذاری امنیتی ایران عنوان کرد که در بسیاری از موارد ناتوان از مدیریت بحران‌های نرم‌افزاری، انطباق با مقتضیات نظم منطقه‌ای و بین‌المللی و نقش‌آفرینی مؤثر در روندهای سیاسی مربوطه می‌باشد.

ه) تحقق اصول و اهداف ترسیم‌شده در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز مستلزم به‌کارگیری سازوکارهای همکاری‌جویانه در سیاستگذاری امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. به‌موجب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران باید تا سال ۱۴۰۴، به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری منطقه تبدیل شود. کنش پرشدت و سخت‌افزارانه در محیط امنیتی منطقه‌ای در بسیاری از موارد ضمن آنکه واجد مطلوبیت راهبردی نخواهد بود، به‌میزان قابل ملاحظه‌ای به امنیتی‌سازی سیاست منطقه‌ای کشور جهت خواهد داد. بافت جمعیتی متنوع و شکاف‌های قومی-مذهبی چندسویه عراق، سوریه، یمن و بحرین مستلزم آن است که سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در

۲۰ - موضوع قتل خاشجعی بار دیگر مطلوبیت و کارآمدی اهرم نفت در سیاستگذاری راهبردی را برجسته کرد. جایی که سعودی‌ها، آمریکا را به عدم همراهی با تحریم‌های نفتی علیه ایران از طریق کاهش صادرات نفت خود تهدید کردند. در این میان، کارت ایران به‌عنوان یک برگ برنده از سوی سعودی‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

قبال تحولات این کشورها راهبرد ایجاد هم‌گرایی را در پیش گیرد. واضح است که رویکرد معطوف به حذف برخی از گروه‌های قومی-مذهبی و جریان‌های سیاسی در یک محیط متنوع و متکثر، خود به منزله تشدید و تقویت زمینه‌های نارضایتی، آشوب و بحران‌های اجتماعی محسوب گردد.

منابع

- ۱- اودم، دبلیو (۱۳۹۲)، سیاستگذاری امنیت ملی: تصمیم‌گیری درباره موضوع‌های دفاعی، در شولتز، گادسون و کوئیستر، رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی، ترجمه محمدعلی متقی‌نژاد، جلد دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰ الف)، رفتارشناسی بازیگران تحولات یمن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- ۳- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰ ب)، تحولات بحرین: ریشه‌ها و بازیگران، معاونت سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش راهبردی، شماره ۳۵۴.
- ۴- آدمی، علی (۱۳۹۱)، بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۲.
- ۵- آدمی، علی، موسوی، محمدرضا، حسینیعلی (۱۳۹۱)، تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۰.
- ۶- آزاد، امیرحامد و ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۹۷)، تأثیر ساختار نظامی سوریه بر سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۲.
- ۷- برزگر، کیهان (۱۳۹۳)، تحولات عراق و امنیت ملی ایران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۸- برزگر، کیهان (۱۳۹۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های وزارت امور خارجه.
- ۹- بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰- پورسعید، فرزاد و شاپوری، مهدی (۱۳۹۷)، دولت ترامپ و شوروی‌سازی جمهوری اسلامی ایران: چرایی و چگونگی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۱.
- ۱۱- جعفری، محمدعلی (۱۳۹۶/۹/۳)، ایران به یمن کمک مستشاری می‌کند، خبرگزاری تسنیم، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/03/1582560>
- ۱۲- خاکپور، محمد (۱۳۹۶/۲/۱۳)، مستشاران بیشتری به سوریه اعزام می‌شوند، سایت خبری تحلیلی الوقت، <http://alwaght.com/fa/News/96204>
- ۱۳- خبرگزاری فارس (۱۳۹۰/۱۱/۵)، فرمایشات رهبر بزرگ مرهمی بر زخم مردم بحرین بود، <https://www.farsnews.com/news/13901115000112>
- ۱۴- خبرگزاری فارس (۱۳۹۷/۹/۱)، حمایت معنوی خود را از مردم مظلوم و مسلمان یمن آشکارا اعلام می‌کنیم، <https://www.farsnews.com/news/13970901000088>
- ۱۵- دهشیری، محمدرضا، معبودی، فرشته (۱۳۹۶)، ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۱۶- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۰/۵/۲۵)، نامه ایران به سازمان ملل درباره بحرین، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/15487>

- ۱۸- رضوی نژاد، سیدامین و ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷.
- ۱۹- رضوانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۲۰- روحانی، حسن (۱۳۹۷/۵/۱)، سخنرانی در همایش رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، روزنامه وطن امروز، شماره ۲۴۹۲.
- ۲۱- زیباکلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال عراق، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴.
- ۲۲- سعیدی، علی (۱۳۹۴)، مرزهای ایران به مدیترانه و باب‌المندب رسیده است، سایت فرارو، <https://fararu.com/fa/news/253893>
- ۲۳- سلامی، حسین (۱۳۹۳/۱۰/۷)، انصارالله یمن مشابه حزب‌الله لبنان است، مشرق‌نیوز، <https://www.mashreghnews.ir/news/374935>
- ۲۴- فارن پالیسی (۱۳۹۶)، حملات دامنه‌دار سایبری در خلیج فارس، ترجمه دیپلماسی ایرانی.
- ۲۵- فرزادی پور، شمس‌الدین (۱۳۹۷/۶/۳)، ناگفته‌هایی از همکاری سپاه و نیروی هوایی عراق در مقابله با داعش/ایلیوشین‌های سپاه بر فراز فوعه و کفریا، شبکه العالم.
- ۲۶- فریدون، حسین و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر گفتمان اعتدال در سیاستگذاری عمومی، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱.
- ۲۷- قانعی، اسماعیل (۱۳۹۴/۳/۲)، دشمنان حریف مبارزان یمنی نیستند، مشرق‌نیوز، <https://www.mashreghnews.ir/news/419987>
- ۲۸- لیری، پیل (۱۳۹۴)، درس‌های حزب‌الله برای انصارالله، ترجمه علی عطاران، دیپلماسی ایرانی، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1948817>
- ۲۹- مجیدی، حسن، مرتضی کاظمی دینان (۱۳۹۵)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین از منظر نظریه سازه‌انگاری، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۵۶.
- ۳۰- مسجدی، ایرج (۱۳۹۷/۸/۲۱)، کمک‌های مان به عراق در در زمینه فناوری، لجستیک، آموزش و مستشاری ادامه می‌یابد، خبرگزاری ایسنا، <https://www.isna.ir/news/97082110099>
- ۳۱- مسجدی، ایرج (۱۳۹۷/۱۰/۱۰)، هیچکدام از مشاوران نظامی ایران در عراق حضور ندارد، سایت خبری تحلیلی الوقت، <http://alwaght.com/fa/News/146901/>
- ۳۲- نیاکویی، سیدامیر و سجاد مرادی (۱۳۹۴)، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول.
- ۳۳- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی سیاستگذاری خارجی: مبانی نظری، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره سوم، شماره ۱.
- ۳۴- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۳)، سیاستگذاری ساختار قدرت در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۵- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴)، سیاستگذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۳.
- ۳۶- یورونیوز، (۲۰۱۸)، جدایی مقتدی صدر از ایران؛ چرا و چگونه؟، <https://fa.euronews.com/2018/05/17/>.

37- Al-Khoei, Hayder (2013), Iraq: Sunni resurgence feeds Maliki's fears, in: Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, The Regional Struggle for Syria, European Council on Foreign Relations (ECFR).

38- Badawi, Tamer (2018), Iran's Economic Leverage in Iraq, Washington, DC, Carnegie Endowment for International Peace.

- 39- Daniel Byman, Shahram Chubin, Anoushiravan Ehteshami, Jerrold D. Green (2001), Iran's Security Policy in the Post-Revolutionary Era, RAND Corporation.
- 40- Coffey, Luke (2018) Bab el-Mandeb: The U.S. Ignores the Most Dangerous Strait in the World at Its Peril, The National Interest, June.
- 41- Goodarzi, Jubin (2013), Iran: Syria as the first line of defence, in: Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, The Regional Struggle for Syria, European Council on Foreign Relations (ECFR).
- 42- Hollingshead, Emmet (2018), Iran's New Interventionism: Reconceptualizing Proxy Warfare in the Post-Arab Spring Middle East, Political Science Honors Projects, 75.
- 43- Juneau, Thomas (2016), Iran's policy towards the Houthis in Yemen: A limited return on a modest investment, International Affairs, Vol. 92, No. 3.
- 44- Katzman, Kenneth (2012), Bahrain: Reform, Security, and U.S. Policy, Congressional Research Service Report.
- 45- Katzman, Kenneth (2016), Iran's Foreign Policy, Congressional Research Service Report.
- 46- Katzman, Kenneth (2018), Iran's Foreign and Defense Policies, Congressional Research Service Report.
- 47- Kendall, Elisabeth (2017), Iran's Fingerprints in Yemen: Real or Imagined? Atlantic Council, Oct 18.
- 48- Kissinger, (2014), Henry Kissinger's Thoughts On The Islamic State, Ukraine And 'World Order', National Public Radio.
- 49- McInnis, Matthew (2017), The Future of Iran's Security Policy, American Enterprise Institute (AEI).
- 50- Milani, Mohsen (2015), Iran's Game in Yemen; Why Tehran Isn't to Blame for the Civil War, Foreign Affairs, April 19.
- 51- Rivera, Jason (2015), Iran's Involvement in Bahrain: A Battleground as Part of the Islamic Regime's Larger Existential Conflict, in: Small Wars Journal, <https://smallwarsjournal.com/jml/art/iran-involvement-in-bahrain>.
- 52- Sharp, Jeremy M. (2018), Yemen: Civil War and Regional Intervention, Congressional Research Service Report.
- 53- Smyth, Phillip (2018), Iranian Militias in Iraq's Parliament: Political Outcomes and U.S. Response, The Washington Institute, Policy Analysis.
- 54- Tapia Valdes, J.A (1982), A Typology of National Security Policies, Yale Journal of International Law, Vol. 9, No. 1.
- 55- The State Department, (2018), Outlaw Regime: A Chronicle of Iran's Destructive Activities, available at: <https://www.state.gov/documents/organization/286410.pdf>.
- 56- The White House (2018), National Strategy for Counterterrorism, available at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2018/10/NSCT.pdf>.
- 57- The White House, (2017), President Donald J. Trump's New Strategy on Iran, Fact Sheets, October 13.
- 58- Zittoun, Philippe (2014), The political process of Policymaking, A pragmatic approach to Public Policy, Palgrave-McMillan.

